

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH19K822721 ISSN-P: 2676-6442

بررسی کارایی ترکیب مالیات اسلامی و متعارف در نظام مالیاتی

دولت اسلامی و تاثیر آن بر جامعه و خانواده

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۲۹)

حسین ولی زاده^۱

گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دکتر محمد جواهری طهرانی^۲

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دکتر سید عقیل حسینی^۳

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

در این پژوهش سعی بر این بود تا با توجه به مبحث مالیات‌ها در اسلام، الگوی مناسبی برای اجرای مالیات‌های اسلامی ارائه شود. باید توجه داشت به هیچ عنوان اجرای سیستم مالیاتی بدون همکاری خود مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. انتخاب و اجرای سیستم مالیاتی مناسب می‌تواند در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه مؤثر باشد. مالیات‌های اسلامی از گستردگی بالایی برخوردار بوده و همه بخش‌های اقتصاد آن موقع را پوشش می‌داده و این نشان می‌دهد که نباید استثنا داشته باشد در شرایط امروز ما. با مالیات‌های غیر مستقیم مواجه‌ایم که بر اصل کارایی استوار بوده و موارد

^۱ نویسنده مسئول

^۲ hosseinvalizadeh80@gmail.com

^۳ tehrani.mj@gmail.com

^۴ aqil.hoseiny@gmail.com

مصرف آن هم بصورت روشن بیان نمی شود. در صورتی که محل مصرف به خصوص انواع مالیات‌ها، برخی مالیات‌های اصلی اسلامی، محل تامین و خرج آن مشخص بوده که نشان از شفافیت دارد و در جمع بندی این نکته مهم است که نهایتاً سیستم مالیاتی و تامین اجتماعی در دولت اسلامی باید هماهنگ با یک دیگر باشند. نکته دیگر مبانی مالیات‌های اسلامی بر درآمدهای بادآورده باید بصورت تصاعدی باشد کما اینکه در اسلام هم در مورد خمس توضیح دادیم تصاعدی است و بالاخره مالیات‌های اسلامی نباید ضد تولید باشد همینطور که بر عوامل تولید مالیات گرفته نمی شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل اقتصادی، مالیات اسلامی، مالیات متعارف، دولت اسلامی

مقدمه

مالیات‌ها وسیله‌ای برای کنترل بر اقتصاد توسط دولت‌ها محسوب می شود و دولت‌های کشورهای پیشرفته از مالیات‌ها به عنوان وسیله‌ای برای سیاست گذاری اقتصادی استفاده می کنند. هرچند بعضی کشورها از مانند ایران، به دلیل برخورداری از منابع غنی زیرزمینی مانند نفت، آن چنان که باید به درآمدهای مالیاتی اهمیت نمی دهند؛ اما این کشورها به نقش مهم و اساسی آن در ساختار بودجه خود آگاه هستند و همواره به دنبال تغییر در سیاست مالیاتی خود هستند.^۱ علاوه بر مالیات‌های دریافتی، در همه کشورهای دنیا، در مقابل خدمات خاص دولت به شهروندان عوارض نیز دریافت می شود. به عبارت دیگر، مالیات چیزی است که به همه مردم جامعه تعلق دارد و پرداخت مالیات برای مخارج جامعه صرف می شود اما محل دقیق مصرف آن مشخص نشده است

^۱ جعفری نسب، شیرویه، ذکوری، وجیه اله، و کرمان، حجت اله. تبیین جایگاه انواع منابع تامین مالی حکومت اسلامی با توجه به مقتضیات زمان. همایش مالیات‌های اسلامی (پیش نیازها و الزامات مالی دولت اسلامی). ۱۳۹۱ ص ۲۵

و در این تحقیق با اصطلاح مالیات متعارف از آن نام برده می شود. ولی عوارض به این معناست که افراد در مقابل دریافت یک سری از خدمات باید آن را بپردازند که این تحقیق تحقیق مجالی برای پرداختن به آن نیست.

در اسلام نیز، دولت دارای اختیارات وسیعی در حوزه اقتصاد است و از درآمدهای بالائی برخوردار می باشد و نظام مالی دولت در اسلام دارای اهمیت و ویژه ای است. شناسائی ظرفیت ها و شاخص هایی که مالیات های اسلامی از آن برخوردارند، برای بررسی امکان استفاده از قابلیت های آن ها امری ضروری است. مالیات های اسلامی بر چند قسم است. مهم ترین و مشهورترین این مالیات ها خمس و زکات است که در قرآن کریم به واجب بودن آنها تاکید شده است. خراج و جزیه نیز از انواع دیگر مالیات های اسلامی هستند.^۱ خراج از صدر اسلام اصلی ترین منبع تأمین کننده بیت المال به حساب می آمد که مقدار آن در هر سال توسط پیامبر (ص) یا خلیفه مسلمانان تعیین می شد و در مناطق و زمان های مختلف متفاوت بود. جزیه مالیات های ثابتی بود که به طور سرانه از غیر مسلمان ها در مقابل ارائه خدمات اجتماعی گرفته می شد.^۲

مالیات های اسلامی و نحوه پرداخت و دریافت آن، بر عهده امام، حاکم و فقیه می باشد که صدور احکام در این زمینه نیازمند مطالعات بیشتری است.^۳ از این جهت قوانین نسبتاً کلی و وجود شبهات زیاد در این قواعد بیانگر ضعف این حرکت اجتهادی و فقهی در زمینه فقه اقتصادی بوده و منعطف بودن آن را در قبال تغییرات کم می کند؛ و شاید به این دلیل است که مغایرت نداشتن

^۱ عبدالله علم خواه، "تحلیل و بررسی وظایف دولت اسلامی از منظر عدالت اقتصادی، جهاد اقتصادی و عزت اقتصادی"، presented at the همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی (اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران). ۱۳۹۴، ص ۱۳.

^۲ لشکری، علیرضا. کارکرد بر نظام مالیاتی اسلام با نظر به نظام مالیاتی اقتصاد متعارف. جستارهای اقتصادی، ۱۸ (۳۶)،

۱۹۱-۲۰۶. ۱۴۰۰ ص ۱۹۶

^۳ جعفری نسب، شیرویه، ذکوری، وجیه اله، و کریمیان، حجت اله. پیشین. ص ۱۴

شکلی نظام مالیاتی کشور با این قوانین فقهی عمومی، مبهم و رشد نیافته، منجر به ایجاد حساسیت‌های زیادی برای بهبود، هدایت و همسوسازی نظام مالیاتی با معیارهای اصلی اقتصاد اسلامی در این نظام از سوی هیچ نهادی نشود؛ و به این دلیل بعد از انقلاب اسلامی نیز برای بهبود نظام مالیاتی کشور و هماهنگ‌سازی آن با مالیات‌های اسلامی هیچ تلاش چشمگیری انجام نشده است. امروزه وضع و تصویب مالیات‌های حکومتی، در خوشبینانه‌ترین حالت بر اساس الگوی مالیاتی کشورهای پیشرفته و عملکرد مالی آنها انجام می‌گیرد و به هماهنگی، سازگاری و همسوسازی آن با اهداف و عملکرد مالیات‌های اسلامی - که بهترین الگو برای نظام مالیاتی حکومت اسلامی باشد - هیچگونه توجهی نشده است.^۱

امام خمینی (ره) از فقهای معاصر امامیه در مورد وضع مالیات توسط حاکم اسلامی چنین فرمودند: «همان اختیارات و ولایتی را که خدا و رسول خدا و دیگر ائمه، صلوات الله علیهم، در تدارک و بسیج سپاه، تعیین والیان و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی فرار داده است» (خمینی، ۱۴۲۳: ۵۱). آیت‌الله منتظری نجف آبادی از فقهای معاصر امامیه در تبیین جواز وضع مالیات توسط دولت معتقد است: «وقتی تحت شرایط خاصی مانند حفظ نظام اسلامی و تأمین منابع مالی برای آن به مال و منابع مالی نیاز پیدا کردیم جایز و بلکه واجب است تا حاکم اسلامی برای رفع حاجت و نیازهای خود با رعایت عدل و انصاف مالیات وضع کند و بر مردم نیز واجب است تا آن را پردازند» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۹۰).

در سال‌های اخیر، همزمان با تصمیم سیاست‌گذاران اقتصادی مبنی بر کاهش وابستگی به نفت و گاز و تکیه بر درآمدهای مالیاتی، آیا دولت می‌تواند مالیات بر مردم وضع کند؟ آیا این نظام

^۱ لشگری، پیشین ص ۱۹۷

دوسویه متوازی موجب فشار بر مردم نمی شود؟ در بسیاری از کشورهای دنیا، کمک به خیریه ها و پرداخت های اینچنینی، موجب ایجاد معافیت های مالیاتی می شود. همچنین اگر مالیات های اسلامی در ساختار اقتصادی دولت دخیل شوند، مرجع دریافت این مالیات ها چه ارگان و اشخاصی خواهند بود؟ به عقیده بسیاری از محققان، پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، تجدید ساختار نظام مالیاتی با اصول اقتصاد اسلامی، کاملاً لازم و اجتناب ناپذیر است و ایجاد ارتباط بین نظام مالیات های اسلامی و مالیات منظوره های متعارف در ایران به اجتناب از پرداخت های موازی و نیز ایجاد معافیت های مالیاتی برای پرداخت کنندگان خمس و زکات موضوعی است که توجه پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی را به خود جلب کرده است. بر اساس آنچه گفته شد هدف اصلی این تحقیق تحلیل اقتصادی منابع مالی دولت های اسلامی بر اساس مکاتب اقتصادی غربی از جمله آدام اسمیت است.

بخش اول: تقابل و تقارن مالیات اسلامی و قانونی

بند اول: تقابل و تقارن دریافت مالیات اسلامی و قانونی

عدم وجود قوانین منسجم در جهت پیوند بین قوانین مالیاتی کشور و مالیات های اسلامی و عدم ساختار مناسب از مهم ترین ملاحظات برای اجرایی کردن مالیات های اسلامی است. همچنین تمرکز مالیات های اسلامی -بالاخص خمس- در اختیار نظام اجرایی کشور هم استقلال حوزه های علمیه را تهدید می کند و هم با ملاحظات و محدودیت هایی مثل عدم وجود سازوکار مناسب در دستگاه های اجرایی، عدم وجود قوانین مالیاتی عام که شامل زکات و خمس نیز است، عبادی بودن خمس و زکات، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع آوری کننده خمس (مرجعیت)، خود اظهاری بودن زکات و خمس، عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات های متعارف از جانب نهادهای دولتی، اختلاف در موارد تعلق و

مصارف خمس و زکات با مالیات و عدم شایستگی نهادهای اجرایی برای جمع‌آوری و توزیع مالیات‌های دینی به دلیل عبادی بودن آن‌ها مواجه است. لذا سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور در جهت سازماندهی مالیات‌های اسلامی به دلیل تصویب قانون زکات و کم بودن مبلغ آن و همچنین شمول زکات بر محصولات زراعی که نه تنها از پرداخت زکات معاف‌اند بلکه تولید آن‌ها با حمایت‌های دولتی همراه است، زکات را از این مهم استثنا کرده و خمس را به دلیل ارقام قابل توجه و تشابه آن به مالیات بر درآمد مورد توجه قرار می‌دهند. در این راستا باید قوانین مالیات بر درآمد کشور با نگاه به خمس ارباح مکاسب بازنگری شده و برای حفظ استقلال حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه نگاه به خمس و تدوین قانون خمس نگاهی تشویقی و احتساب آن به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد باشد. تا اهدافی مثل عبادی بودن زکات و خمس، پرداخت مضاعف مالیات از جانب متدینین، مقدس بودن نهاد جمع‌آوری کننده خمس (مرجعیت)، خود اظهاری بودن زکات و خمس و عدم احتساب پرداخت خمس و زکات به عنوان مالیات‌های متعارف از جانب نهادهای دولتی تأمین شود.^۱

بند دوم: تقارن مرجع دریافت مالیات اسلامی و قانونی

با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌های نظام مالیاتی اسلام، به نظر می‌رسد نظام مالیاتی کشور برای اینکه بخواهد مدعی الگوپذیری از الگوی نظام مالیاتی اسلام باشد، نیازمند تحول اساسی و جدی است. مهم‌ترین مانع برای این امر، نداشتن شناخت کافی از نظام مالیاتی اسلام و عدم احساس ضرورت برای فراگیری و اجرای آن است. چنان‌که بیان شد، چون اخذ مالیات به ظاهر حرمت شرعی ندارد، سیاست‌مداران و دولت‌مردان و اقتصاددانان، هیچ‌یک در مقام یافتن الگویی از

^۱ کتبه الحسینی، سید ضیاء الدین، «اصول حاکم بر مالیات‌ها در نظام اقتصاد اسلام مستفاد از مالیات‌های منصوص رکات و خمس مرکز مطالعات اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱

مالیات‌های اسلامی برنیامده‌اند. داوری درباره مالیات‌های موجود یا جدید در بهترین حالت، بر اساس تجربه گذشته و عملکرد مالیات‌های پیشین صورت گرفته و به هماهنگی و سازگاری آن با اهداف و عملکرد مالیات‌های صدر اسلام که بهترین الگو برای مالیات‌های اسلامی است، توجه نشده است. صرف نظر از این مانع اساسی، برای شناسایی میزان تحقق هر کدام از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی می‌توان از روش‌های گوناگونی بهره گرفت. به عنوان نمونه، برای عادلانه بودن مالیات‌ها می‌توان بار مالیاتی را محاسبه کرد. اگر این نسبت با توجه به توان پرداخت تنظیم شده باشد، می‌توان گفت شیوهای عادلانه است.^۱ برای تشخیص اینکه مؤدیان تا چه اندازه با طیب خاطر و داوطلبانه مالیات خود را می‌پردازند، محاسبه فرار یا اجتناب مالیاتی می‌تواند مفید باشد. در زمینه فرهنگ مالیاتی و محاسبه شاخص فرار و اجتناب مالیاتی، دیدگاه عمومی درباره مخارج دولت اهمیت زیادی دارد. هنجارها و کنش‌های اجتماعی، عدالت مالیاتی، عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم مبادله مطالعات کامل، نبود سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی و ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی در این مورد، تأخیر در وصول مالیات، مشکلات مربوط به تشخیص علی‌الراس مالیات، قوانین پیچیده و متعدد، عدم شناسایی مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمد آن‌ها، وجود معافیت‌های وسیع و متنوع و ... برخی از عوامل نهادی فرار مالیاتی هستند. بدیهی است احساس سنگین بودن بار مالیاتی و وجود تبعیض بین درآمد حقوق‌بگیران و درآمد مشاغل دیگر نیز می‌تواند در عدم تمایل باطنی مؤدیان مؤثر باشد. همچنین با محاسبه هزینه تحصیل یک واحد درآمد مالیاتی تا حدودی می‌توان سیستم اجرایی را ارزیابی کرد. ارزیابی هر سیستم مالیاتی در چهارچوب وظایفی صورت می‌گیرد که برای آن در نظر گرفته می‌شود. ممکن است نقش مالیات‌ها برای کسب درآمد مالیاتی یا توزیع مجدد درآمد یا تخصیص

^۱ صدر، سید کاظم و محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی. آیا نظام مالیاتی ایران اسلامی است؟. فصلنامه تخصصی اقتصاد

بهینه منابع و یا ترکیبی از آن‌ها در نظر گرفته شود که تا حدود فراوانی به تجربه ثابت شده است برخی از نقش‌ها به ویژه دو نقش کسب درآمد و تخصیص بهینه (کارایی) با نقش توزیع مجدد درآمد در تضادند؛ بنابراین با توجه به اولویت‌های هر نظام سیاسی-اجتماعی ممکن است برخی از نقش‌ها اهمیت داده شوند و یا برخی مانند نقش توزیع مجدد، به عهده اهرم‌های دیگر اقتصادی مثل مخارج عمومی گذاشته شوند. چنین به نظر می‌رسد برای حفظ احترام و شخصیت مؤدیان و جلب اعتماد آنان، دولت باید بیش از پیش از اهرم‌های اجبار و تهدید در نظام اجرایی پرهیزد و با تشویق درستکاران و ارشاد و تنبیه مناسب فراریان مالیاتی و اصلاح بیشتر نظام مالیاتی، زمینه را برای همکاری و مشارکت مؤدیان فراهم سازد و بدین وسیله، هزینه گردآوری مالیات را کاهش دهد.^۱

بخش دوم: مزایا و معایب روش‌های پیاده‌سازی مالیات اسلامی در عصر حاضر

در سده اخیر و با شکل‌گیری جریانات احیای اندیشه دینی از یک سو و درخواست مسلمین برای بازگشت به قوانین اسلامی یکی از دغدغه‌های بسیاری از اندیشمندان قانون‌گذاری بر اساس شریعت اسلامی بوده است. در این میان حوزه اقتصاد محل بحث‌های فراوانی بوده و تقابل نظام اقتصادی اسلامی با سایر نظامات اقتصادی بحث‌های فراوانی را به خود اختصاص داده است و اقتصاد اسلامی به عنوان یک نظام مستقل مورد تأکید اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. یکی از شواهد این اندیشمندان برای وجود نظامی اسلامی در حوزه اقتصاد طراحی مالیات‌های ویژه و با کاربردهای مشخص در شریعت اسلام بوده است که به واسطه تأثیرات عملی فراوان در رفتار مسلمین از اهمیت مضاعفی نیز برخوردار است چرا که با توجه به جدایی سیستم‌های حکومتی و

^۱ علم الهدی، سید سجاد، تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲ پاییز و زمستان، ۱۳۹۵، ص ۹۵-۱۰۹

دینی در بسیاری از جوامع عملا بین سیستم مالیاتی متعارف و اسلامی تعارض وجود داشته و عملا مسلمین متعهد به پرداخت زکات و خمس و سایر مالیات های اسلامی با پرداخت مضاعف مالیات رو به رو بوده اند. از سوی دیگر از آن جایی که هدف هر سیستم مالیاتی افزایش پایه مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی است در دوره های اخیر بسیاری از کشورها درصدد استفاده از انگیزه های مذهبی برای مالیات ستانی بوده اند و به این دلیل و یا دلایلی دیگر درصدد تطبیق قوانین مالیاتی خود با مالیات های اسلامی و طراحی سیستم برای جمع آوری و توزیع این مالیات های شرعی بر آمده اند. کشورهای پاکستان، مالزی و عربستان از این جمله اند که در مبحث حاضر درصدم که با توجه به تجربه این کشورها روش های پیاده سازی مالیاتهای اسلامی را استقرانموده و با مطالعه تطبیقی قوانین مالیاتی مالزی و قانون جدید و قدیم مالیاتی عربستان به نقاط ضعف و قوت این روش ها پی برده تا بر اساس آن بتوان راهکاری متناسب با خصوصیات ویژه ایران را طراحی نمود. در مبحث حاضر کشور عربستان به این دلیل مورد توجه قرار گرفته است که علاوه بر سابقه چندین ساله در پیاده سازی این قوانین به تازگی قانونی جدید در مالیات را تصویب نموده و هم چنین از لحاظ اقتصادی به واسطه پتانسیل بالای گردشگری و هم چنین وابستگی به نفت ساختار اقتصادی بالفعل و بالقوه ای مانند ایران دارد انتخاب شده است و از سوی دیگر مالزی به این دلیل انتخاب شده است که با توجه به رشد بالای اقتصادی این کشور در دهه های گذشته و ادغام این اقتصاد در اقتصاد جهانی می تواند نمونه ای مناسب برای مطالعه اقتصادهای ادغام شده در اقتصاد جهانی و مواجهه با بسیاری از مسائل نوظهور در عرصه اقتصادی باشد.

بخش سوم: کارایی ترکیب دو مالیات اسلامی و متعارف از سه منظر فقهی، تقنینی و اجرایی

بند اول: کارایی ترکیب دو مالیات اسلامی و متعارف از منظر فقهی

آیات و روایات دلالت بر آن دارند که بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی ریشه در عدم پرداخت خمس و زکات دارد و مادامی که چنین مسئله ای حل نشود، تلاش‌های دیگر فایده چندانی نخواهد داشت. همین مسئله ضرورت پرداختن به خمس و زکات و طراحی الگویی برای تشویق افراد جامعه به پرداخت خمس و زکات را دوچندان می‌کند. اصل پرداختن به طراحی الگوی یکپارچه‌سازی و نظام منابع مالی اسلامی در همین راستا است تا آثار پرداخت خمس و زکات از جمله درمان بخل، برکت رزق، بیمه مال، محبوبیت نزد خدا، باز شدن گره‌ها، کفاره گناهان، رهایی از کیفر، جاودانگی اموال، استجاب دعا، کینه‌زدایی، بنیه دینی مردم، تربیت نسل پاک، فقرزدایی و ایجاد اشتغال در بین مردم گسترش یابد.^۱

بر اساس روایات، زکات و خمس دو ابزار مهم دولت برای رفع فقر هستند. با توجه به فلسفه وضع زکات در اسلام می‌توان گفت که زکات و خمس عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند؛^۲ اما این بدان معنا نیست که استفاده از زکات محصور در رفع فقر باشد. از مجموع روایات و آیات قرآن کریم و نیز از نظرات فقهی حضرت امام (ره) این گونه برداشت می‌شود که زکات و خمس صرفاً برای رفع فقر و کمک به زندگی فقرا نیست، هرچند هدف اصلی آن رفع فقر است. مشهور فقیهان امامی، بلکه اکثریت آنان معتقدند زکات در نه چیز واجب است و این نه چیز عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره. در میان فقهای شیعه تعداد معدودی، قول مشهور

^۱ پورفرج، علیرضا. جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آن‌ها. ۱۳۸۹، ص ۱۴۸

^۲ شیخ صدوق، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيرُ، ج ۲، ۱۴۱۳، ص ۳۰۸.

را نپذیرفته و به وجوب زکات در مواردی به جز اشیای نه گانه قائل شده و یا بنابر احتیاط، ترک آن را در این اشیا جایز ندانسته‌اند.^۱ عده‌ای نیز انحصار زکات در موارد نه گانه را پذیرفته‌اند اما تفسیر دیگری از برخی از موارد مانند نقدین کرده‌اند و پول را نیز مصداق نقدین و مشمول زکات دانسته‌اند.^۲ با این حال آنچه مشهور است انحصار زکات در موارد نه گانه است و روایات زیادی دلالت بر آن دارند. همچنین فقهای شیعه با توجه به معنای لغوی غنیمت در آیه شریفه خمس و به استناد روایات و اجماع طایفه، موارد تعلق خمس را تا هفت مورد برشمرده‌اند که این موارد عبارتند از:

۱. غنائم جنگی؛ ۲. معدن؛ ۳. گنج؛ ۴. غواصی؛ ۵. در آمد کسب؛ ۶. زمینی که ذمی از مسلمان بخرد؛ ۷. مال حلال مخلوط به حرام. در حال حاضر آنچه از این موارد بیشتر موضوعیت دارد خمس ارباح مکاسب و معدن است. بررسی روایات و تاریخ نشان می‌دهد که فریضه زکات آنچنان اهمیتی دارد که تنها به صدور حکم آن اکتفا نشده است، بلکه رسول الله مأمور بودند آن را از مالکین اموال زکوی اخذ کنند، ولو آنکه به قتال، محاربه و لشکر کشی هم منجر شود. در آیاتی از قرآن کریم، پیامبر (ص) به جهاد با کسانی دعوت می‌شود که حاضر به پرداخت زکات نیستند. همچنین، در قصص و روایات متعدد پیامبر (ص) پس از امتناع قوم یا قبیله‌ای از ایتای زکات، دستور آماده شدن لشکر و تجهیز قوا برای جنگ را صادر فرمودند. بنابراین بعد اجتماعی زکات و خمس و نیز ضرورت پرداختن آن در سطح جامعه و نیز نقش حکومت در قبال جمع‌آوری این وجوهات از مهم‌ترین مسائلی است که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی از این پیش‌فرض اتخاذ شده است.

^۱ عسکری، محمد مهدی. تحلیل نظری زکات. دانشگاه امام صادق (ع) تهران. ایران. ۱۳۸۴، ص ۲۳۹

^۲ همان، ص ۴۲۳

اسلام کار ویژه اجتماعی و اقتصادی بسیار مهمی برای زکات تعیین کرده است. به عنوان مهم‌ترین کار ویژه زکات به رفع فقر می‌توان اشاره کرد و همچنین کارهایی از قبیل ساخت مدرسه، بیمارستان و هر آنچه مسئولان جامعه اسلامی صلاح بدانند؛ اما تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که مجموع درآمدهای حاصل از زکات به نسبت نیازهای کشور و کار ویژه‌ای که برای زکات تعریف شده است، مقدار چندانی نیست. بر همین اساس بسیاری از محققین اصرار دارند که قانونی بودن یا نبودن زکات تفاوت چندانی ندارد و عملاً آن را بی فایده دانسته‌اند. فرضیه‌های پاسخگو به این نوع تشکیک در کارایی زکات دلالت بر آن داشتند که معنای زکات در قرآن یک معنای عام است و شامل هر نوع واجب مالی مانند خمس، زکات موارد نه‌گانه، خراج و امثال آن می‌شود. لذا خمس نیز خود نوعی زکات محسوب می‌شود و به طور برجسته مورد تأیید بوده است و منابع عظیمی در اختیار دولت قرار داده است؛ به عبارت دیگر هرچند زکات موارد نه‌گانه به لحاظ درآمدی بسیار محدود است، ولی در کنار خمس می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای حکومت اسلامی محسوب شود.^۱

عمده منابع مالی اسلامی را خمس و زکات تشکیل می‌دهند و مالیات‌های متعارف، به صورت ثانوی و در حکم اضطرار و یا بر اساس حکم حکومتی قابل وضع هستند. به همین دلیل در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف آنچه باید مد نظر قرار گیرد، اصل بودن خمس و زکات است و اینکه اگر قرار است مالیات به عنوان ضرورت یا حکم حاکمیتی بر مردم وضع شود، باید خود را با نظام خمس و زکات تطبیق دهد. بر این اساس در طراحی الگو فرض بر این است که شخص ابتدا خمس و زکات را پرداخت کند و بعد نظام مالیاتی خود را با این ساختار تطبیق دهد. هرچند ممکن است مالیات از حیث ترتب آثار مادی اقتصادی از جانب

پرداخت کنندگان یا منابع مصرف آن مشابه و منطبق بر زکات باشد، اما آنچه جوامع امروز از مالیات تلقی می کنند، منعکس کننده این معنا است که مالیات به دلیل مشروعیت نداشتن و احساس تحمیلی بودن آن از جانب افراد، نه تنها نمی تواند آثار معنوی و نفسانی مثبت حاصل از زکات (از قبیل شکران نعمت، قصد قربه الی الله و مبارزه با شح و بخل نفسانی و حب مال) را داشته باشد، بلکه بالعکس از آنجا که مردم آن را نوعی فشار و تحمیل می دانند از آن فرار می کنند، در حالی که زکات علاوه بر اینکه می تواند آثار اقتصادی مالیات را داشته باشد، یک دستگاه انسان سازی و معنویت پروری نیز است. حال اگر درآمدهای حاصل از زکات و خمس به قدری باشد که مخارج دولت را تأمین کند، طبیعتاً نیازی به وضع مالیات های جدید نیست، اما اگر درآمدهای حاصل از خمس و زکات به قدری نباشد که برای رفع نیازهای دولت کفایت کند، طبیعتاً نیاز به وضع وسیع تری از این مالیات ها است و این شرایط اقتضا می کند که منابع تأمین درآمد جدیدی تحت عنوان مالیات وضع شود. این گونه مالیات های واجب جدید را به منظور سایر مخارج واجب دولت، توجیه می کنند.^۱

بند دوم: کارایی ترکیب دو مالیات اسلامی و متعارف از منظر تقنینی

اجرای مالیات ها مستلزم دو فرآیند کلی تشخیص منبع مالیات و وصول آن است. تشخیص مالیات شامل شناسایی مؤدیان مالیاتی و تعیین منبع مشمول مالیات است. در تعیین منبع مالیاتی، ارزیابی منبع مالیاتی و ضمانت های اجرایی در مراحل تشخیص، از نکات مهم در بحث جمع آوری مالیات است. انتخاب مأموران مالیاتی، جلب همکاری و رضایت مؤدیان، نظارت و ضمانت های اجرایی و بررسی جرائم مالیاتی بسیار حائز اهمیت است.^۲ از منظر اقتصاد اسلامی می توان خصوصیتی را

^۱ همان، ص ۷۱۹

^۲ همان، ص ۸۹۱

برای نظام مالیاتی در نظر گرفت که این خصوصیات بیشتر در اجرای مالیات نمود پیدا می‌کنند.^۱ این خصوصیات عبارتند از: عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات، حداقل هزینه جمع‌آوری مالیات، عدالت اجتماعی، معین بودن موارد مصرف هر مالیات، مردمی و اخلاقی بودن، گستردگی دایره انفاق و عدم انتقال مالیات به دیگران. در ابتدا باید طوری بین مردم فرهنگ سازی شود که آن‌ها پرداخت مالیات را یک وظیفه تلقی کنند و برای استمرار حکومت اسلامی و آبادانی و توسعه آن لازم بدانند. به دلیل عدم اعتماد مردم به سیستم مالیاتی دولت اجرای یک برنامه مالیاتی با موانع متعددی روبه‌رو است؛ و تنها راهحل، همکاری و اعتماد خود مردم به این برنامه مالیاتی خواهد بود. با توجه به آیات و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، تعاون و همکاری اجتماعی، یکی از اصول و قواعد اساسی اسلامی در مباحث اقتصادی به شمار می‌رود.^۲

بند سوم: کارایی ترکیب دو مالیات اسلامی و متعارف از منظر اجرایی

اجرای مالیات‌ها مستلزم دو فرآیند کلی تشخیص منبع مالیات و وصول آن است. تشخیص مالیات شامل شناسایی مؤدیان مالیاتی و تعیین منبع مشمول مالیات است. در تعیین منبع مالیاتی، ارزیابی منبع مالیاتی و ضمانت‌های اجرایی در مراحل تشخیص، از نکات مهم در بحث جمع‌آوری مالیات است. انتخاب مأموران مالیاتی، جلب همکاری و رضایت مؤدیان، نظارت و ضمانت‌های اجرایی و بررسی جرائم مالیاتی بسیار حائز اهمیت است. از منظر اقتصاد اسلامی می‌توان خصوصیات را برای نظام مالیاتی در نظر گرفت که این خصوصیات بیشتر در اجرای مالیات نمود پیدا می‌کنند. این خصوصیات عبارتند از: عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات، حداقل هزینه جمع‌آوری مالیات، عدالت اجتماعی، معین بودن موارد مصرف هر مالیات، مردمی و اخلاقی بودن،

^۱ جعفری صمیمی، احمد... اقتصاد بخش عمومی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب اسلامی دانشگاه. ۱۳۸۹، ص ۱۱۹

^۲ حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی. مشهد. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. ۱۳۷۰، ص ۹۶

گسترده‌گی دایره انفاق و عدم انتقال مالیات به دیگران. در ابتدا باید طوری بین مردم فرهنگ سازی شود که آن ها پرداخت مالیات را یک وظیفه تلقی کنند و برای استمرار حکومت اسلامی و آبادانی و توسعه آن لازم بدانند. به دلیل عدم اعتماد مردم به سیستم مالیاتی دولت اجرای یک برنامه مالیاتی با موانع متعددی روبه‌رو است؛ و تنها راه حل، همکاری و اعتماد خود مردم به این برنامه مالیاتی خواهد بود. با توجه به آیات و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، تعاون و همکاری اجتماعی، یکی از اصول و قواعد اساسی اسلامی در مباحث اقتصادی به شمار می‌رود.^۱ در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران فاقد یک نظام یکپارچه است که بتواند مجموعه منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف را در قالبی منسجم درون خود بگنجاند. از این رو ساختار موجود سبب ایجاد ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در حوزه اجرایی مالیات‌های متعارف و اسلامی شده و لازم است که تغییرات ساختاری قابل توجهی در این حوزه صورت گیرد که برخی از این مشکلات به شرح زیر است:

۱. پرداخت‌های موازی و بعضاً چندگانه مالیات‌های متعارف و اسلامی توسط مردم: در واقع بخش زیادی از مردم جامعه به پرداخت خمس و زکات مبادرت می‌ورزند و نظام مالیاتی بدون توجه به این نوع پرداخت‌ها، به آن‌ها مالیات نیز وضع می‌کند. هر چند هر سه از نظر شرعی واجب هستند، اما ساختار موجود منجر به فشار وارد آوردن بیش از حد به برخی از خانوارها و تولیدکنندگان می‌شود که سهم مردم معتقد به اسلام بسیار زیاد است. به نظر می‌رسد این امکان وجود دارد که ساختار را به گونه‌ای طراحی کرد که اولاً، این فشارها را به حداقل رسانده و ثانیاً، افراد به صورت آزادانه و بدون احساس فشار به پرداخت هر سه نوع مالیات اقدام کنند؛

مخارج موازی و غیرهماهنگ دولت و مراجع معظم تقلید که ناشی از نداشتن سامانه اطلاعاتی مشترک در بعد مخارج است. در واقع وضعیت موجود به گونه‌ای است که ممکن است برای برخی از امور، بودجه‌های مختلفی از سوی دولت و مراجع معظم تقلید اختصاص داده شود و به برخی از امور دیگر که لازمه جامعه اسلامی هستند، بودجه‌ای اختصاص داده نشود؛ مانند رفع فقر که ممکن است اشخاصی هم از دولت و هم از سوی مراجع تقلید وجوهاتی دریافت کنند، اما عده‌ای دیگر از این شرایط محروم بمانند. علت اصلی این مشکل نداشتن سامانه اطلاعاتی مشترک در مصرف وجوهات و یا مشخص نبودن وظایف در حوزه مصارف است؛

کم‌توجهی بخشی از جامعه به پرداخت وجوهات شرعی که یکی از دلایل آن وضعیت ساختار موجود در نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف است. در واقع بسیاری از افراد به دلیل پرداخت مالیات از پرداخت خمس و زکات اجتناب می‌ورزند و پرداخت مالیات را توجهی برای پرداخت نکردن خمس و زکات می‌دانند. هرچند این توجیه ناصواب است، اما واقعیت جامعه ما حاکی از آن است که این شرایط وجود دارد و البته قابل حل است. از طرفی ساختار موجود هیچ نوع انگیزه‌ای برای پرداخت خمس و زکات ایجاد نمی‌کند. در حالی که این امکان وجود دارد که ساختار به گونه‌ای طراحی شود که چنین انگیزه‌ای را فراهم آورد؛

۴. غفلت از دو منبع مهم منابع مالی اسلامی یعنی زکات و خمس در تأمین بودجه کشور علی‌الخصوص در شرایطی که به دنبال کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و استقلال مالی دولت هستیم. مخصوصاً اینکه تحقیقات تجربی نشان داده است که در سال‌های اخیر ظرفیت بالقوه خمس و زکات در جامعه ما از درآمدهای مالیاتی دولت بیشتر بوده و مقدار آن در حدی بوده است که برای رفع فقر در جامعه کفایت کند؛ لذا می‌توان از خمس و زکات با حفظ قوانین شرعی برای تأمین بودجه دولت استفاده کرد؛

غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه به منظور کاهش فرار مالیاتی. به نظر می‌رسد با توجه به پتانسیل فرهنگی و سرمایه اجتماعی بالایی که در جامعه مسلمانان نسبت به پرداخت خمس و زکات به عنوان یک امر عبادی واجب وجود دارد و بسیاری از مردم به دلیل اعتقادات خویش از آن فرار نمی‌کنند، این ظرفیت قابل تسری به نظام یکپارچه مالیاتی نیز است که خمس و زکات و نیز مالیات‌های متعارف جزئی از آن هستند و این امکان به وجود می‌آید که فرار مالیاتی تا حد قابل قبولی کاهش یابد؛

تبلیغات رسانه‌های معاند و دشمن اسلام مبنی بر وجود فساد در مصارف وجوهات شرعی. این در حالی است که مراجع معظم تقلید از بزرگ‌ترین سرمایه‌های این نظام هستند و تخریب وجهه ایشان در واقع تخریب وجهه نظام محسوب می‌شود. بر همین اساس این امکان وجود دارد که در ساختار جدید، با گونه‌ای از شفاف‌سازی در مخارج، اولاً، از این تبلیغات منفی بکاهیم و ثانیاً، با ارائه شفاف فهرست خدمات مالی که مراجع داشته‌اند، خوشبینی مضاعفی را در بین مردم ایجاد کنیم و زمینه تشویق به پرداخت خمس و زکات را فراهم آوریم و نهایتاً با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک، در بعد مصارف از کارهای موازی از یک سو و بی‌نصیب گذاشتن برخی از امور لازم از سوی دیگر اجتناب ورزیم.^۱

مواردی که در قسمت فوق بدان اشاره شد، حاکی از آن است که نبود سیستم یکپارچه در کشور می‌تواند باعث بروز چه مشکلاتی شود. همین امر ضرورت طراحی الگویی جهت یکپارچه‌سازی نظام مالیات‌های اسلامی و متعارف را بیش از پیش افزایش می‌دهد. با وجود این، به غیر از مسائل فوق مسئله دیگری نیز وجود دارد که اهمیت آن از همه موارد پیشین بیشتر است و آن مسئله احیای

^۱ شهرکی، جواد و مصطفی شمس الدینی. پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام. دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۲۴-۹۷. ۱۳۹۰، ص ۱۱۱

نظام خمس و زکات است که به دلیل پیش‌زمینه مردم ایران از زمان‌های قدیم و سیستم شاهنشاهی و دیکتاتوری این عدم اطمینان و احساس ظلم در مردم به نوعی نهادینه شده است. برای حل این معضل باید دولت با اجرای برنامه‌های مدیریتی و فرهنگی مناسب این اطمینان را در مردم ایجاد کند که ظلمی بر آن‌ها تحمیل نمی‌شود و پرداخت مالیات به صورت گروهی باعث پیشرفت گروه خود فرد خواهد شد. راهکاری که در این زمینه می‌توان ارائه کرد فدرالی کردن مالیات‌ها است. منظور از فدرالی کردن مالیات‌ها این است که مالیات از هر منطقه‌ای که دریافت می‌شود در همان منطقه نیز خرج شود. شاید به نظر آید مناطقی که درآمد ساکنان آنها بیشتر است از امکانات بیشتری بهره‌مند خواهند شد، ولی این کار به هیچ عنوان منافاتی با عدالت اجتماعی نخواهد داشت. اجرای این برنامه می‌تواند باعث تحریک حس ناسیونالیستی مردم هر منطقه شده و به وجود آورنده یک رقابت بالقوه در مردم برای ارتقای سطح خود و افراد گروه خویش شود.^۱ همچنین باید سیستمی پیاده کرد تا جمع‌آوری مالیات پرهزینه نباشد؛ باید توجه داشت اگر مردم نخواهند مالیات پرداخت کنند جمع‌آوری مالیات بسیار سخت و پرهزینه خواهد بود که باز هم بهترین شیوه، فرهنگ‌سازی مالیاتی و خود اظهاری مردم است (نظری، ۱۳۸۲). اجرای مالیات‌ها مسئله بسیار مهم و حساسی است؛ زیرا باید به مسئله عدالت توجه ویژه‌ای کرد تا به هیچ‌وجه بر کسی ظلمی وارد نشود. در احادیث دینی نیز موارد اخلاقی‌ای برای اخذ زکات به عنوان مالیات اسلامی و منبع مالی بیت‌المال آمده است؛ برای مثال فرمایش امام علی (ع) به مأموران مالیاتی خود که فرمودند: در حرکت آید، با پرهیزگاری و ترس از خداوندی که یگانه است و او را شریکی نیست. زنه‌ار، مسلمانی را مترسانید و اگر خود نخواهد به سراغش مروید و بیش از آنچه حق خداوند است، از او مستانید. چون به قبیله‌ای رسیدید بر سر آب آن‌ها فرود آید و به خانه‌هایشان داخل شوید. آنگاه با

آرامش و وقار به سوی ایشان روید تا به میانشان برسید. سپس امام ادامه می دهد: سلامشان کنید و تحت گوئید و در سلام و تحت امساك ننمایید. سپس، بگوی که ای بندگان خدا، ولی خدا و خلیفه او ما را به نزد شما فرستاده تا سهمی را که خدا در اموالتان دارد بستانیم. آیا خدا را در اموالتان سهمی هست که آن را به ولی خدا بپردازید؟ امام ادامه می دهد: اگر کسی گفت: نه، به سراغش مروید و اگر کسی گفت: آری، بی آن که او را بترسانید یا تهدیدش کنید، یا بر او سخت گیرید، یا به دشواریش افکنید، به همراهش بروید و آنچه از زر و سیم دهد، بستانید و اگر او را گاو و گوسفند و شتر باشد، جز به اجازه صاحبانش به میان رમે مروید، زیرا بیشتر آن ها از آن اوست و چون به رمه چارپایان رسیدید، مانند کسی مباحثید که خود را بر صاحب آن ها مسلط می شمارد یا می خواهد بر او سخت گیرد. چارپایی را رم مدهید و مترسانید و صاحبش را در گرفتن آن مرنجانید. امام علی (ع) در ادامه می افزاید: پس مال را هر چه هست به دو بخش کنید و صاحب مال را به گزینش یکی از آن دو بخش مخی ر گردانید و در آنچه برای خود برمی گزیند، متعرضش مشوید. سپس، باقی را باز به دو بخش کن و باز او را در گرفتن یکی از آن دو بخش معیر نمایید و در آنچه برای خود برمی گزیند، سرزنش ننمایید. پیوسته چنین کنید تا آن قسمت که حق خداوند در آن است، بر جای ماند. پس سهم خدا را از او بستانید و اگر پنداشت که مغبون شده و خواست آن گونه قسمت کردن را بر هم زند، از او بپذیرید و بار دیگر دو قسمت را یکی کن و باز قسمت از سر گیر تا سهم خدا را از مال او معین کنی و بستانی؛ ستور پیر و سالخورده و پای و پشت شکسته و بیمار و لاغر و معیوب را مگیرید. امام همچنین به بحث امانت داری اموال مؤمنان بسیار حساس است و می فرماید: چون مال مسلمانان را می فرستید، آن را به کسی بسپارید که به دین داری او مطمئن باشید تا آن را به ولی امر مسلمانان برساند و او میان مسلمانان قسمت

نماید و به نگهداری آن‌ها مگمارید، مگر مردی نیک‌خواه و مهربان و امین را که نیکو نگهبانی کند.^۱ از اینجا اهمیت فرهنگ‌سازی مالیاتی در مردم و عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات‌ها از طرف آن‌ها، نمود بیشتری پیدا می‌کند. بدون شک هیچ برنامه‌ای بدون همکاری خود مردم انجام‌پذیر نیست، برای همین مشارکت دادن خود مردم در این امر می‌تواند تسهیل‌کننده جمع‌آوری مالیات باشد.^۲ به منظور طراحی الگویی برای یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف لازم است حداقل در مورد نوع معافیت مالیاتی تصمیم‌گیری شود. یکی از مؤلفه‌های اصلی طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، استفاده از سازوکار معافیت‌های مالیاتی است. معافیت‌های مالیاتی مهم‌ترین رکنی است که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی منابع مالیات اسلامی و مالیات‌های متعارف مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین منظور لازم است که مجموعه معافیت‌های مالیاتی در ایران را مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا چرایی و سازوکار ایجاد معافیت مالیاتی نسبت به پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی را تبیین کنیم. چنانچه بخواهیم در یک نگاه کلی مجموع علل معافیت‌های مالیاتی در قانون مالیات ایران بررسی شود، می‌توانیم آن‌ها را در شش دسته کلی طبقه‌بندی کنیم: ۱. حمایتی؛ ۲. تشویقی؛ ۳. هزینه‌ای؛ ۴. جلوگیری از پیچیدگی مالیاتی؛ ۵. باز توزیع عادلانه ثروت؛ ۶. جلوگیری از پرداخت مالیات مضاعف.

در حال حاضر قانون مالیاتی ایران، در موارد متعددی و بنابر دلایل مختلف، معافیت‌های مالیاتی را در سطوح مختلف در نظر گرفته است و در قانون مالیات‌های مستقیم در ۱۴ ماده قانونی (ماده ۱۳۲ الی ۱۴۶) این معافیت‌ها بیان شده است. از نظر نوع و شیوه معافیت‌های مالیاتی، این معافیت‌ها به سه

^۱ نهج البلاغه، نامه ۲۵

^۲ شمس‌الدینی و شهرکی، پیشین، ۱۴۸

دسته تقسیم می‌شوند: ۱. معافیت از شمول در مالیات؛ ۲. معافیت از مالیات به مقدار پرداختی در امور مختلف؛ ۳. محسوب شدن مبالغ پرداختی خاص به عنوان هزینه قابل قبول.

در شیوه اول، بسیاری از پرداخت‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی از مالیات معاف می‌شوند و هیچ هزینه‌ای برای مالیات در نظر گرفته نمی‌شود (مانند صادرات)؛ در رویکرد دوم، نظام مالیاتی برخی از پرداخت‌ها، هدایا و نیز نذورات را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد؛ به این معنا که به میزان کل پرداخت‌های شخص در بخشی خاص، او را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد (مانند هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود یا همسر، اولاد، پدر، مادر، برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی)؛ در رویکرد سوم، بخشی از پرداخت‌ها، هدایا و نیز مخارج عده‌ای از اقشار جامعه به عنوان هزینه قابل قبول در پرداخت مالیات در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که کل مبلغ این هزینه‌ها از درآمد مشمول مالیات شخص کسر شده و میزان مالیات او بعد از آن محاسبه می‌شود. عمده‌ترین سهم از این نوع بخشودگی‌ها اختصاص به کمک‌های عام‌المنفعه دارد (ماده ۱۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم). بر این اساس، از آنجا که در حال حاضر وجوهات خمس و زکات در همین امور یعنی مدیریت حوزه‌های علمیه و مدارس علوم دینی و نیز امور خیریه و عام‌المنفعه مصرف شود، می‌توان با تکیه بر این قانون این نوع از مالیات‌ها را مشمول هزینه‌های قابل قبول تلقی کرد.^۱ یکی از عللی که در قانون مالیات‌ها عامل معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده است، اجتناب از اخذ مالیات‌های مضاعف است. از آنجا که خمس و زکات نیز نوعی مالیات محسوب می‌شوند، از افرادی که خمس و زکات می‌پردازند، مالیات مضاعف دریافت می‌شود. بدیهی است که اگر از این منظر به موضوع نظر بیفکنیم، خواهیم دید که لازم است نظام مالیاتی افراد را به میزانی که خمس و زکات پرداخت می‌کنند، مشمول معافیت مالیاتی قرار دهد.

^۱ عسگری، پیشین، ص ۱۹۸

نکته‌ای که در اینجا باید اشاره شود این است که با در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی، نقش حمایتی و نیز تشویقی آن‌ها نیز مشخص می‌شود. در واقع اولاً، این نوع از معافیت‌ها باعث می‌شود که خانواده‌های مذهبی مورد حمایت بیشتری قرار گیرند و از پرداخت‌های موازی به دور باشند؛ ثانیاً، افرادی که به هر دلیلی از پرداخت خمس اجتناب می‌کردند، در شرایط فعلی تشویق به پرداخت خمس و زکات می‌شوند. در اینجا رویکرد سومی نیز وجود دارد که در شرایط خاصی می‌تواند مفید واقع شود. این رویکرد عبارت است از اینکه بخشی از خمس و زکات به عنوان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود. علت تمسک به چنین رویکردی این است که بسیاری از افراد در مواجهه با پرداخت خمس و زکات و مالیات ترجیح می‌دهند که خمس و زکات را پرداخت کنند و مشمول معافیت مالیاتی قرار بگیرند. طبیعی است که بخش زیادی از وجوهاتی که قبلاً به صورت مالیات پرداخت می‌شدند، به صورت خمس و زکات پرداخت می‌شوند و به جای واریز شدن به خزانه، در اختیار متولیان وجوهات شرعی قرار می‌گیرد. حال اگر در قانون مالیاتی درصد معینی از پرداخت خمس و زکات به عنوان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود، در واقع نوعی ابزار سیاستی ایجاد شده است که میزان انتقال وجوهات مالیاتی از دولت به متولیان خمس و زکات را مدیریت می‌کند.^۱

^۱ شهرکی، پیشین، ص ۵۱۴

بخش چهارم: کارآیی و هزینه نهایی که ناشی از وصول دو منبع مالی بر خانوارها

بند اول: تاثیر مالیات بر عدالت اجتماعی و خانوارها

با توجه به اینکه در نظام اسلامی به جای بیشینه سازی لذت مطلوبیت و رضایتمندی که در نظام اقتصاد متعارف به عنوان هدف دنبال می شود، سعادت فرد می نشیند و از سویی همه اشکال سعادت این جهانی نبوده و لذات پایدار سرای دیگر را هم شامل می شود. دامنه پی جویی های انسان گسترش یافته و افقی گسترده تر را در بر می گیرد. از این رو خود دوستی و حب ذات مشروط به دیگر خواهی می شود و فرد مسلمان دیگران را بخشی از وجود خود می داند و اهتمام به امور مسلمین در نزد او چنان ارزش والایی دارد که بدون آن گویا شرط مسلمانی ترک شده است. در این صورت دیگر خواهی و خود گرایی در یک راستا قرار می گیرد و تعارض میان مصالح فرد و جامعه از میان می رود. این رویکرد به منافع فردی با رویکردی که اندیشمندان مسلمان در مورد اصالت جامعه به موازات اصالت فرد دارند. کاملاً سازگار و هماهنگ است. با اعتقاد به اصالت جامعه مصالح و منافع جامعه به موازات و بلکه مقدم بر منافع فرد مطرح در دستور کار قرار خواهد گرفت؛ بدین ترتیب سازمان جامعه و ترتیبات نهادی آن نه برای بیشینه سازی منافع فردی که به منظور نیل به منافع اجتماعی و فردی شکل خواهد گرفت. در این صورت کارایی به مثابه تنها معیاری که منافع اجتماعی را از مسیر بیشینه سازی منافع فردی تامین می کند. پذیرفته نخواهد بود. با این وصف، اکنون حوزه عمومی که در آن منافع مربوط به جامعه دنبال می شود؛ باید به گونه ای از سازماندهی دست یابد که حقوق افراد متفاوت است.^۱ منافع اجتماعی و فردی و با سعادت و کمال جامعه و فرد را تضمین کند و دولت اسلامی نیز عهده دار حفظ و حراست از مصالح عمومی شود.

^۱ همان، ص ۲۹۷

تحقیقات بی شمار اندیشمندان مسلمان گویای توافق تقریباً تمامی آنان بر این نکته است که عدالت یکی از اساسی ترین اهداف نظام و دولت اسلامی می باشد و عنصر اساسی ترتیبات و تنظیمات جامعه اسلامی و شرط لازم برای تحقق سعادت در نظام اسلامی است. از این دیدگاه عدالت نه تنها محصول نهایی آزادی های فردی در فعالیت های اقتصادی نیست که محدودیتی بر این گونه فعالیت هاست. از نظر اسلام تشکیل دولت اسلامی صرفاً برای تأمین امنیت افراد و محافظت از مال و جان آنان نیست و تأمین عدالت اجتماعی یکی از مهم ترین اهداف تشکیل دولت اسلامی می باشد و ساختار و ترتیبات نهادی جامعه اسلامی در راستای تبلور و تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی است. عدالت اقتصادی می تواند معانی گوناگون و فراوانی داشته باشد و مباحث گسترده ای را به خود اختصاص دهد. این مقاله معنای توازن را که مورد تأیید و تصدیق اندیشمندانی چون شهید مطهری و شهید صدر است بحث خویش را دنبال می کند. شهید مطهری یکی از معانی عدل الهی مجموع نظام عالم و مرتبط با مصلحت کل می داند. این معنای عدالت با معانی دیگر آن همچون تساوی نفی تبعیض و یا رعایت جامعه دنبال می شود؛ باید به گونه ای از سازماندهی دست یابد که حقوق افراد متفاوت است.^۱ رویکرد توازن به مثابه عدالت بدین معنا به عدل نزدیک است و در هنگام سخن از توازن نوعی هماهنگی و تناسب اجزای یک کل نسبت به هم مورد نظر خواهد بود. این معنا از توازن در مقوله عدالت اجتماعی در عدم انحراف از تناسب موقعیت افراد جامعه نسبت به هم و نبود فاصله های زیاد طبقاتی و اختلاف فاحش در برخورداری های اقتصادی و منزلت اجتماعی تجلی پیدا می کنند. شهید صدر به عنوان یکی از بزرگترین ایده پردازان توازن اقتصادی بر اساس ادله ای که از منابع اسلامی استخراج کرده، توازن را چنین تعریف می کند: توازن اجتماعی توازن بین افراد جامعه در سطح زندگی (معیشت) و نه در

سطح در آمد است. معنای توازن در سطح زندگی این است که آن مالی که در سطح جامعه می باشد. در میان افراد جامعه بپردازد به گونه ای که امکان دهد هر فرد زندگی ای در سطح عموم مردم داشته باشد در حالی که این سطح بر عهده دارد. منظور از توازن اجتماعی این است که واحد ممکن است دارای درجات متفاوتی باشد. اما تفاوت تنها در درجه است که منافات کلی با سطح معیشت واحد ندارد. این تفاوت در زندگی مانند سطوح بسیار متفاوت زندگی در نظام سرمایه داری نیست^۱. ملاحظه می شود که این برداشت از عدالت، تنها به رفع فقر و تأمین حداقل معیشت افراد تأکید ندارد بلکه تأمین سطح زندگی شود نزدیک به هم برای آحاد جامعه را وجهه همت خویش قرار می دهد. این جنبه از عدالت اقتصادی موضوع مهمی در تعیین ساختارها و ترتیبات اجتماعی است و نیاز به تأمل بیشتری دارد.

در سوره حشر آیه ۷ به روشنی هدف از قرار دادن فی در اختیار پیامبر اکرم را جلوگیری از چیرگی و سلطه ثروتمندان بر به بهترین شکل محافظت خواهد شد؛ اما در صورتی که به هر فی ذکر می کند. در این آیه شریفه آمده است: «آنچه خدا از اموال و زمین های اهل آن آبادی ها به پیامبرش داد، اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد. تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد» شهید صدر بیشتر بر این نکته تأکید می کند که این اموال بدین دلیل در اختیار ولی امر مسلمین قرار می گیرد که در دسترس افشار ضعیف تر و گردش سرمایه در سطح کل جامعه باشد. شهید صدر دلالت آیه بر عدم تمرکز مال در دست عده ای را در کتاب الاسلام یقود الحیاء به نحو مستقل و برجسته مطرح می کند. از نظر ایشان، آیه شریفه بر توازن و توزیع مال و عدم تمرکز آن در دست عده ای محدود به عنوان یکی از اهداف تشریع اسلامی دلالت دارد و بنابراین توازن اجتماعی در توزیع مال یکی از معیارهای ثابت اقتصاد

اسلامی است.^۱ در اسلام اختلاف درآمدها به دلیل تفاوت در توانایی‌ها و خصوصیات انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است، اما تفاوت در درآمدها نباید به حدی برسد که سطح زندگی افراد طبقاتی شود. باز توزیع درآمدها ابزاری برای تامین سطح یکسان زندگی در جامعه اسلامی است؛ بنابراین دولت اسلامی افزون بر مسئولیت‌هایی همچون تامین اجتماعی مسئولیت تامین توازن اجتماعی را نیز زندگی‌ای در سطح عموم مردم داشته باشد در حالی که این سطح بر عهده دارد. منظور از توازن اجتماعی این است که:

۱. حداقلی از رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه فراهم شود. به گونه‌ای که سطح زندگی افرادی که در سطح زندگی پایین‌تری دارند. به این سطح حداقلی ارتقا یابد؛

۲. سطح مصرف و هزینه‌های افراد پردرآمد جامعه به سطحی معقول و رفاهی که تحققش برای جامعه ممکن باشد، محدود تامین حداقل معیشت افراد تأکید ندارد بلکه تامین سطح زندگی شود.

۳. از انباشت ثروت در دست گروه و یا طبقه‌ای خاص در جامعه جلوگیری و تلاش شود فرصت‌های شغلی و تولیدی برای همه افراد جامعه فراهم آید.

چنانچه قواعد اقتصاد اسلامی مراعات شود، توازن اجتماعی پیامبر اکرم را جلوگیری از چیرگی و سلطه ثروتمندان بر به‌بهترین شکل محافظت خواهد شد؛ اما در صورتی که به هر دلیلی انحرافی از توازن اجتماعی پدید آمد دولت اسلامی وظیفه دارد توازن اجتماعی را بر اقتصاد جامعه حاکم گرداند.

شهید صدر معتقد است که در اسلام اختیارات لازم به دولت داده شده تا قادر بر تامین توازن باشد.

این امکانات به طور خلاصه عبارتند از:

۱. واجب کردن مالیات های ثابت که به طور مستمر دریافت شده و برای تحقق توازن عام هزینه می شود؛

۲. برای دولت مالکیت بر ثروت های عمومی ایجاد شده تا با استفاده از آن بتواند توازن را هدف قرار دهد؛

۳. طبیعت تشریع اسلامی که در زمینه های گوناگون حیات اقتصادی را در این راستا تنظیم کرده است.

بر اساس این نتیجه بسیار مهم و محوری در مورد مالیات ها هدف اساسی نظام مالیاتی در اسلام تامین توازن اقتصادی است. این نتیجه ماهیت نظام مالیاتی را آشکار می سازد و نشان می دهد. که افزون بر هزینه کرد مالیات ها چگونگی و اصول جمع آوری آن به هدف توازن دست یابد. در واقع مسئله این است که نظام اسلامی وضعیتی را برای موقعیت پس از توزیع امکانات فرصت ها، مواهب و درآمدها و همچنین باز توزیع درآمدها تصویر کرده و نظام مالیاتی نیز برای تحقق وضعیت مزبور سامان یافته است. موریس سیلور در کتاب میانی عدالت اقتصادی معیارها را در سه دسته قرار می دهد (عیوضلو، ۱۳۸۹).

۱. قواعد ابزار-محور که در آن همه افراد در برابر قانون برابرند و اجتماعی سازگار باشد. بر امکانات و فرصت های مساوی برای همه و برخورداری یکسان افراد از مزیت ها و نامزیت ها تأکید می شود.

۲، قواعد فرایند-محور که در آن روش تملک و سلطه افراد بر اموال و برابری آنان در فعالیت‌های آزاد اقتصادی مورد توجه است.

۳. قواعد نتیجه - محور و غایت‌گرا که در این قواعد نتایج حاصل از سهم بری افراد از منابع و امکانات و ثروت و درآمد مورد توجه است.

به طور منطقی افرادی که برای فرد و فعالیت‌های او به منظور حداکثر کردن مطلوبیت خود اهمیت زیادی قائل هستند، قواعدی را ارائه می‌دهند که در دسته اول و یا دوم قرار می‌گیرد؛ اما کسانی که برای جامعه اهمیت بیشتری در نظر گیرند، قواعد دسته اول و دوم را در راستای تحقق قواعد دسته سوم تنظیم می‌کنند. پس با مطلوب دانستن وضعیت متوازن قواعدی را در مراحل اولیه و فرایندی مدنظر قرار می‌دهد که سهم افراد شایسته دریافت سهم در نهایت متوازن باشد. وظیفه دولت در برقراری توازن تنها به پرداخت‌های انتقالی به اقشار کم درآمد محدود نمی‌شود بلکه یک جنبه مهم آن پیشگیری از تمرکز ثروت و پیدایش انحصار در جامعه اسلامی است. این امر از راه وضع مالیات بر پایه‌های مالیاتی و تعیین نرخ‌های مالیاتی دنبال شود. طبیعی است که مالیات بر مصرف به جز مالیات بر مصرف کالاهای ضروری و لوکس سازگار با این عملکرد نیست. اما از نظر اجتماعی معمولاً رابطه بسیار مهمی بین نظام مالیاتی و کیفیت و کمیت و دامنه آن با نوع جامعه و حکومت وجود دارد بنا به نظر بسیاری از اندیشمندان بین حکمرانی خوب و نسبت مالیات‌ها رابطه معنا داری وجود دارد. در نظام‌های مدرن، خدمات اجتماعی بعنوان بخشی از تکالیف دولت هاست که با پرداخت مالیات توسط مردم ممکن می‌شود و دولت‌ها باید نسبت به مصرف آن پاسخگو باشند. برخالف گذشته که رعیت نمی‌توانست از محل خرج مالیاتی که می‌دهد سوال کند امروز مصارف مالیات‌ها، به صورت شفاف به اطلاع شهروندان رسانده می‌شود.

بند دوم: کارایی و هزینه نهایی مالیات اسلامی

اما از نظر اجتماعی معمولاً رابطه بسیار مهمی بین نظام مالیاتی و کیفیت و کمیت و دامنه آن با نوع جامعه و حکومت وجود دارد. بنا به نظر بسیاری از اندیشمندان بین حکمرانی خوب و نسبت مالیات ها رابطه معنا داری وجود دارد. در نظام های مدرن، خدمات اجتماعی بعنوان بخشی از تکالیف دولت هاست که با پرداخت مالیات توسط مردم ممکن می شود و دولت ها باید نسبت به مصرف آن پاسخگو باشند. برخلاف گذشته که رعیت نمی توانست از محل خرج مالیاتی که می دهد سوال کند. امروز مصارف مالیات ها، به صورت شفاف به اطلاع شهروندان رسانده می شود. با مقدمات پیش گفته به صورت اجمال ابتدا مالیات های اسلامی را بر اساس شاخص هایی که کارآمدی این مالیات ها و اثر توزیع درآمدی آنها را نشان می دهند معرفی می کنیم و سپس تاثیری که در کارایی اقتصادی بنگاه ها دارند را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در انتها به جنبه های توزیعی آن پرداخته می شود.

از مالیات های اوّلی که در قرآن موارد مصرف آن ذکر شده و در روایات میزان و مأخذ آن آمده؛ زکات؛ است و وجوب این مالیات مربوط به سال هشتم هجری است که وضع مسلمانان بهبود یافته بود و قبل از آن، اتفاق در آیات مکی آمده بود ولی تا موقع تشکیل حکومت اسلامی پرداخت آن مستحب بود چون وضع مالی آن موقع مسلمانان خوب نبود؛ انواع زکات را می شود اینطور تقسیم کرد یکی که بعنوان سرانه تعریف می شود. مثال زکات فطریه است که در پایان ماه مبارک رمضان پرداخت می شود و دیگری زکات امول است که در صدر اسلام بر همه بخش های اقتصادی وضع شده است و در میان مالیات های اسلامی از همه مهمتر و بیشتر بوده است، (بر زراعت؛ دامداری، تجارت و...). نکته ی که بوده این است همه این مالیات ها حدنصابی داشتند کسانی که دارایی یا درآمد آن ها از حد نصاب کمتر بود از پرداخت مالیات معاف بودند. بنابراین

اولا از فقرا مالیات گرفته نمی شده و نکته دوم این که هر کسی که از منابع عمومی بیشتری استفاده می کرد مالیات بیشتری باید می داد. مثلا نرخ مالیات محصول زراعی دیمی و آبی فرق می کرده اولی ده درصد و دومی پنج درصد بوده است. مساله مهم بعدی این است که نرخ این مالیات، نسبت به مأخذ آن یک نرخ ثابت است. و این ثابت بودن باعث می شود اثر اختلالی در سیستم اقتصادی نداشته باشد. که به راحتی به کمک تئوری های اقتصادی قابل اثبات است. نکته مهم بعدی این است که زکات، همه بخش های اقتصادی را پوشش می داده است. در بخش خدمات و صنعت که دینار و درهم در آنجا رواج داشته است. مالیات بر دینار و درهم داریم که نرخ آن حد اکثر دو و نیم درصد است. بر بخش زراعت و کشاورزی نیز این مالیات برقرار بوده و همه اینها حد نصاب داشته است. نکته بعدی این است که در بخش کشاورزی از عوامل تولید دامی مالیات گرفته نمی شد و این، برای کمک به تولید بوده است. نکته بعدی این است که هر کس از منابع عمومی بیشتری استفاده می کرد باید مالیات بیشتری بدهد (نرخ مالیات محصولات دیمی دو برابر آبی است). نکته بعدی این است که این مالیات از تراکم و تمرکز ثروت که به طور صریح در قرآن آمده است جلوگیری می کند و هر کسی اگر دینار و درهم را راكد نگهدارد به آن مالیات تعلق می گیرد. ولی اگر وارد اقتصاد کند معمولا مالیات تعلق نمی گیرد یعنی اگر مسکوک باشد و کنز شود و یکسال از آن بگذرد مشمول مالیات می شود. مأخذ این نوع مالیات اگر بخواهیم به زبان امروزی صحبت کنیم هم تولید است و هم ثروت است. البته ویژگی های دارد که بهتر است گفته شود مانند آن ثروت است و نه پس انداز. چون مربوط پس اندازهای سال جاری و سال های گذشته است و اسم آنها ثروت است و ثروت مجموع پس اندازهاست. مجموع پس اندازها در سالهای گذشته ثروت می شود. این مالیات زکات این ویژگی را داشته که تا زمانی که به کمتر از حد نصاب نرسد به آن مالیات تعلق می گیرد یعنی اگر کسی ۱۰۰۰ دینار داشت باید امسال ۲.۵ درصد را بعنوان زکات پرداخت می کرد، سال بعد هم اگر همین میشد ۲۰۰۰ باز به کل ۲۰۰۰ زکات تعلق

می گرفت، تا زمانی که از حد نصاب خارج شود. حد نصاب ۲۰ دینار است که حدود ۱۵ مثقال طلای امروز است. در واقع مالیات دینار و درهم نوعی مالیات از ثروت و سرمایه است که امروزه یک داللت خوبی برای کشور ما دارد امروزه مالیات بر سرمایه مخصوصا امالک و دارایی ها و مستغالت متاسفانه نسبت به ظرفیتی که باید داشته باشد در حداقل خودش است. نکته بعدی اینکه سیره حضرت علی (ع) محدود به آن نه موردی که فقها می گویند نبود و این خود بهترین دلیل است که این زکات قابل تعمیم است. در هر اقتصادی متناسب با خودش بایستی زکات گرفته شود. اما از منظر دیگر جنبه اجتماعی مالیات ها بوده که بسیار مهم است مهمترین آن موارد مصرف این مالیات است. نحوه مصرف آن که در قرآن هم آمده است: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ؛ یعنی جنبه اجتماعی مالیات ها اگر به زبان امروزی بیان شود؛ یعنی تامین اجتماعی و رفع فقر و عدالت اجتماعی (جنبه اجتماعی وضع مالیات زکات). روایت داریم از امام صادق (ع) اگر همه مردم زکاتشان را بپردازند و این زکات در مورد خودش مصرف شود هیچ فقری باقی نمی ماند. این زکات گسترده و شامل همه بخش های اقتصادی بوده که دقیقا نقش تامین اجتماعی، رفع فقر در حد کفاف و همینطور حاکمیت عدالت در میان طبقات داشته و همه اینها می تواند به ما برساند که زکات کارکرد مهمی در عدالت اجتماعی و رفع فقر دارد و اصل فلسفه آن همین بوده است.

مالیات دوم خمس است که آیه آن در قرآن آمده است: وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ، هر چه غنایم گرفتید یک پنجم آن غنایم مال خدا؛ پیامبر (حاکم اسلامی) و فقرا (تامین اجتماعی) و یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است. البته علاوه بر غنیمت جنگی موارد دیگری را نیز اضافه کرده اند شامل معادن و گنج و جواهرات و ... که اینها از نظر اقتصادی در گذشته اصلا اهمیت نداشت ما در اقتصاد می گوئیم

همه اینها موقت است حتی آن غنیمت هم موقت است. اما فقهای شیعه برخلاف فق‌های اهل تسنن مأخذ دیگری اضافه کردند که البته برای آن در زمان پیامبر دلیل کافی نداریم و روایات آن از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) صادر شده است، و آن خمس بر منفعت کسب است. که به زبان امروزی مالیات بر پس انداز است. در این مورد این طور می‌شود توضیح داد که پس انداز و مصرف بهم وابسته هستند؛ یکی را داشته باشید دیگری را خواهی داشت. تابع مصرف، دو بخش است یک بخش، تابع درآمد نیست، ولی بخش دیگر تابع میزان درآمد است به این معنا که هر مقدار درآمد بیشتر داشته باشد پس انداز یا مصرف هم بیشتر می‌شود. این حالت در جوامعی که ثروتمندتر هستند بهتر مشخص میشود و درصد مصرف درآمد آنها کمتر می‌شود ولی در جوامع فقیرتر این نسبت بیشتر خواهد شد. چون باید منابع ضروری خود را تامین کند. و در جوامع ثروتمند این موضوع تبدیل به پس انداز بیشتری خواهد شد. بهمین خاطر نرخ مالیاتی ثروتمندان؛ نسبت به درآمد، افزایش پیدا می‌کند؛ تغییرات مالیات به تغییرات مصرف، همانطور که مصرف کمتر می‌شود پس انداز بیشتر می‌شود، مشروط بر اینکه «میل نهایی مصرف» تابع درآمد باشد. به عبارت دقیق تر در این که خمس واجب است در میان فرق اسلامی هیچگونه تردیدی وجود ندارد. زیرا در قرآن و سنت به طور صریح آمده است ولی در مورد اینکه این خمس به چه اموالی تعلق می‌گیرد، اختلافی اساسی میان فقهای شیعه با فقهای سایر مذاهب اسلامی است. فقهای سایر مذاهب بر حسب معنای غنیمت، خمس را منحصر به غنائم جنگی و بعضاً اموالی که به صورت تصادفی و یا موقت به دست فردی می‌رسد مانند گنج، معدن، جواهر و ... که با شرایطی مشمول خمس می‌دانند این موارد و حتی غنیمت جنگی نمی‌تواند یک منبع مطمئن برای دولت اسلامی باشد. زیرا در اسلام اصل بر صلح است نه جنگ و سایر موارد نیز در اغلب کشورها و زمان‌ها نمی‌تواند یک منبع دائمی برای درآمد دولت تلقی شود و در کل شاید بتوان این موارد را جز درآمدهای مقطعی و یا تصادفی به حساب آورد. اما بر اساس دیدگاه فقهای شیعه خمس بر منفعت

همه فعالیت های اقتصادی تعلق می گیرد در اصطلاح فقها به این مأخذ منفعت کسب گفته می شود. وقتی در تعریف و مصادیق آن دقت می کنیم می بینیم که مأخذ این مالیات پس انداز است. یعنی ۲۰ درصد مازاد بر مخارج یک فرد بالغ در طی یک سال مالی باید به عنوان مالیات خمس پرداخت گردد. در معنای اصطلاحی امروز می توان گفت این خمس، مالیات بر پس انداز است اگر میزان مالیات خمس را با T و مقدار پس انداز را با S نشان دهیم میزان تابع خمس را می توان به شکل زیر تعریف کرد:

$$T=S/5$$

یعنی بیست درصد پس انداز سالیانه به عنوان خمس باید پرداخت شود. این مالیات در زمان پیامبر و خلفای راشدین و حتی دوره های بعدی خالفت امویان و عباسیان مرسوم نبود، روایات مربوط به این نوع مالیات منسوب به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و ائمه بعدی است. در فقه امامیه تفاوتی بین روایات نبی و امام نیست. بنابراین، بر این مبنا فتوا به وجوب خمس بر منفعت کسب، داده اند. نتیجه اینکه اگر موارد خمس را منحصر در غنیمت جنگی و گنج و ... بدانیم و منافع کسب را به حساب نیاوریم آنچنان که در مذاهب عامه آمده است از لحاظ اقتصادی در دنیای امروز چندان موضوعی برای بحث اقتصادی باقی نمی گذارد. اما اگر بر مبنای فقه امامیه یکی از مأخذ خمس را پس انداز بدانیم آنگاه باید توجه داشته باشیم که این نوع مالیات دلالت های مهمی برای همه زمان ها و من جمله برای اقتصاد ما می تواند داشته باشد، اول اینکه این مالیات نوعی مالیات دائمی و مستمر است و می توان روی آن حساب کرد چون امروزه هیچ اقتصادی یافت نمی شود که در آن پس انداز مطرح نباشد. دوم اینکه مقدار این مالیات بسیار قابل توجه است یک پنجم کل پس اندازها مبلغ قابل توجهی است که می تواند یکی از منابع اصلی تأمین مخارج یک دولت تلقی شود. نکته سوم اینکه این مالیات مانند سایر مالیات های اسلامی مستقیم است و جنبه توزیع کنندگی

بالایی دارد، کسانی باید خمس پرداخت کنند که پس انداز سالانه داشته باشند بنابراین طبقات فقیر که فاقد پس انداز سالانه هستند چیزی به نام خمس پرداخت نمی کنند. هرچه فرد ثروتمندتر و دارای درآمد بیشتری باشد پس انداز بیشتری دارد و در نتیجه مقدار بیشتری مالیات می پردازد. نکته چهارم اینکه هم خمس و هم زکات علاوه بر مالیات جنبه عبادی هم دارند، بنابراین افراد داوطلبانه و با رغبت این مالیات ها را می پردازند و هزینه جمع آوری آنها بسیار ناچیز است و می توان این دو نوع مالیات را تعبیه ابزارهای لازم برای توزیع ثروت به صورت خودکار دانست زیرا هر دو این مالیات ها که نوع و میزان مصرف آنها در قرآن هم آمده همه ویژگی مذکور را دارا هستند. البته اثر توزیع کنندگی خمس بیشتر از زکات است زیرا مأخذ زکات در محصولات کشاورزی و دامی، "درآمد خالص" کشاورز است و در تجارت (دینار و درهم) پس انداز مازاد بر بیست دینار است. آنجا که مأخذ "درآمد خالص" است چون نرخ آن ثابت است بنابراین اثر اختلالی در اقتصاد ندارد و نقطه بهینه و کارایی بنگاه ها را به هم نمی زند ولی آنجا که مأخذ پس انداز است. یعنی مالیات بخش تجارت و صنعت اثر توزیع کنندگی آن شبیه مالیات بر منافع کسب است. درواقع در هر دو مورد، مأخذ این مالیات ها، پس انداز است ولی نرخ مالیات زکات بسیار کمتر از نرخ خمس است و بعالوه تعلق زکات مشروط به رسیدن پس انداز به حد نصاب (بیست دینار) است اما در خمس این گونه نیست، در خمس پس انداز کمتر از بیست دینار هم مشمول این مالیات است. البته یک تفاوت مهم در مأخذ این دو وجود دارد که باید حتماً مورد توجه قرار گیرد، در خمس مال مخمس یا مالی که خمس آن داده شده در سال های بعد مشمول خمس قرار نمی گیرد، اما در زکات تا زمانی که پس انداز سال های قبل فرد بالاتر از بیست دینار است به آن مالیات تعلق می گیرد به عبارت دقیق تر مالیات زکات دینار و درهم که، از آن به عنوان مالیات بخش های غیر کشاورزی از آن یاد می کنیم و در صنعت و خدمات و تجارت مصداق دارد فقط بر پس انداز سال جاری نیست. بلکه بر مازاد مخارج سالانه امسال و سال های گذشته تعلق می گیرد و اگر بخواهیم

از لحاظ اقتصادی و به زبان امروزی آنرا بیان کنیم بر ثروت تعلق می گیرد نتیجه اینکه مالیات زکات دینار و درهم (پول رایج) بر ثروت تعلق می گیرد و تازمانی که این ثروت (دینار و درهم) به حد نصاب نرسد، فرد باید سالانه حدود دو و نیم درصد از آنرا به عنوان زکات بپردازد. موارد مصرف آن نیز، رفع فقر است چه فقر دائم و چه موقت. آیات قرآن هم به هر دو نوع اشاره کرده است. بنابراین در اینکه زکات، مالیاتی است که ثروت ها را تعدیل می کند شکی باقی نمی ماند همچنان که به دلیل موارد مصرف آن، شکی باقی نمی ماند که منبع اصلی تأمین اجتماعی رفع فقر است اگر ثروت را با W و پس انداز را با S و میزان زکات را با T نشان دهیم میزان زکات یک فرد یا یک فرد یا یک جامعه خواهد شد.

$$T = 1/40 (S_t + S_{t-1} + \dots + S_{t-n})$$

ما چون خمس فقط تابع پس انداز جاری است و ثروتی که خمس آن داده شده مشمول خمس واقع نمیشود خمس در زمان t برابر است با:

$$T_t = 1/5 S_t$$

بحث بعدی پاسخگویی به این سوال است که نرخ این مالیاتها نسبت به مأخذ خود ثابت است اما آیا نسبت به درآمد هم ثابت است؟ اهمیت پاسخگویی به این سوال در این نکته مهم نهفته است که اگر نرخ این مالیات بر درآمد هم مانند مأخذ آنها ثابت باشد اثر توزیع کنندگی دارد اما نه به اندازه زمانی که نرخ آن نسبت به درآمد ملی ثابت نباشد؟ در کشورهایی که عدالت مالیاتی و توزیع و درآمد دارای اهمیت بالایی است معمولاً نرخ مالیات نسبت به درآمد به صورت تصاعدی است یعنی درآمدهای بالاتر با نرخ های بالاتری از مالیات همراه هستند و برعکس. این سیاست باعث می شود که تعدیل ثروت و درآمد با سرعت بیشتری صورت گیرد. در کشورهای

اسکاندیناوی: سوئد، نروژ، فنلاند و دانمارک نرخ مالیات بر حقوق گاهی تا ۹۰ درصد افزایش می‌یابد در همین جوامع است که ما با بالاترین شاخص‌های توسعه انسانی مواجه‌ایم و توزیع درآمد براساس معیار ضریب جینی در مقایسه با سایر جوامع در وضعیت ایده آل تری قرار دارد بنابراین از دیدگاه معیار عدالت و تعدیل ثروت مهم است که بدانیم خمس و زکات دینار و درهم نسبت به درآمد چه نوع مالیاتی هستند آیا می‌تواند نقش مالیاتهای تصاعدی را هم ایفا کنند یا با توجه به نرخ ثابت شان نسبت به مأخذشان، نباید چنین نقشی برای آنها قایل باشیم. پاسخ ما این است که "در یک اقتصاد نرمال نرخ های مالیات خمس (خمس منافع) و زکات (زکات دینار و درهم) نسبت به درآمد تصاعدی خواهد بود."

اما از لحاظ کارایی یعنی عدم اختلال مالیاتهای اسلامی باید به چند نکته توجه داشت که تضمین کننده کارایی در اغلب موارد است:

اول اینکه نرخ کلیه مالیاتهای اسلامی نسبت به مأخذ ثابت است البته سایر مالیاتها که در متون نیامده ممکن است این ویژگی را نداشته باشند مانند خراج و جزیه.

دوم اینکه همه این مالیات‌های اسلامی به صورت داوطلبانه جمع آوری می‌گردد و لذا هزینه جمع آوری آنها در حداقل ممکن است. سوم اینکه آنچه از مفاد آیات و روایات استنباط می‌شود، چند قضیه مهم به شرح زیر است:

الف. هر کس از منابع عمومی بیشتر استفاده می‌کند باید مالیات بیشتری بپردازد (مالیات محصول دیم بیشتر از آبی است)

ب. در برخی موارد عوامل تولید از پرداخت مالیات معاف اند (مانند معافیت عوامل تولید در دامداری از پرداخت زکات).

ج. نرخ مالیات های مخصوص قرآنی زکات و خمس به عنوان مهمترین مالیاتها نسبت به مأخذ شان ثابت است.

د. بخش مهمی از مالیات های اسلامی که مربوط به زکات بخش کشاورزی (زراعت و دامداری) است مالیات بر درآمد خالص است که دارای نرخ ثابت و ناچیز است به طوری که در مقادیر بالای درآمد هرگز نرخ مالیات بخش زراعت بیشتر از ده درصد و در بخش دامداری گرچه ثابت نیست اما تصاعدی هم نیست. مالیات برخی از دام ها از ۲۲.۵ درصد شروع می شود و در مقادیر بزرگ به یک درصد کاهش می یابد.

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی بر این بود تا با توجه به مبحث مالیات ها در اسلام، الگوی مناسبی برای اجرای مالیات های اسلامی ارائه شود. باید توجه داشت به هیچ عنوان اجرای سیستم مالیاتی بدون همکاری خود مردم امکان پذیر نخواهد بود. انتخاب و اجرای سیستم مالیاتی مناسب می تواند در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه مؤثر باشد.

میان خمس و زکات با مالیات تفاوت های اساسی وجود دارد. اصولاً مالیات در نظام های دینی یا غیردینی برای هزینه های جاری دولت ها اخذ می شود که در هر کشور تابع مقررات خاص خود است.

زکات برای فقرزدایی در جامعه وضع شده است و خمس در قسمی از آن برای فقرزدایی از عده خاصی که بر طبق قوانین شرع، زکات دریافت نمی کنند است و در قسم دیگرش، برای رفع مخارج شخص امام و رهبر که مخارج خاص خودش را دارد است. مسلمانان به خصوص شیعیان که در طول تاریخ به جز در برخی از اعصار محدود، حکومتی نداشته اند، خمس و زکات مال

خودشان را پرداخت می کرده‌اند. در زمان امامان معصوم (ع) با توجه به عدم وجود حکومت شیعی، خمس و زکات شیعیان پرداخت می شد و امروزه نیز حکومت اسلامی به عنوان دریافت کننده خمس و زکات مؤمنین شناخته نمی شود؛ بلکه حاصل انجام این گونه از تکالیف مادی، به دست مراجع عظام تقلید می رسد. ولی فقیه و حاکم اسلامی از باب مصلحت می تواند پرداخت مالیات یا بخشی از آن را به عنوان خمس کافی بداند؛ چنانکه در وضعیت کنونی افراد بتوانند مالیاتی که به دولت می پردازند را جزء هزینه سال خود محاسبه کرده و پس از خارج کردن تمام هزینه های متعارف، از جمله مالیات، خمس اموال خود را تعیین و پرداخت کنند.

چنانچه بر اساس مبانی پیش گفته در مورد اقتصاد اسلامی، معیار توازن به عنوان معیاری در شناسایی نظام مالیاتی اسلام به رسمیت شناخته شود دستاوردهایی به شرح زیر خواهد داشت.

اول معیار کارایی نمی تواند معیاری اساسی برای شیوه مالیات ستانی دانسته شود و به عبارت دیگر انتخاب پایه ها و نرخ هایی که بر اساس کمترین اخلال در رفتار فعالان اقتصادی را ایجاد می کند منتخب سیاست گذار اسلامی نیست. توجه به این نکته ضروری است که مینا قرار گرفتن کارایی به معنایی که در اقتصاد متعارف مطرح است؛ در اقتصاد اسلامی مورد تردید جدی و بلکه مورد انکار است. پس افزون بر آن که رفتارهایی که به عنوان رفتارهای انسان عقلایی در اقتصاد متعارف پذیرفته شده، در اقتصاد اسلامی مردود بوده حفظ کارایی به معنای کمترین اخلال و انحراف از رفتارهای مزبور با وضع مالیات بدون وجه است و نیز معیار کارایی در نظام مالیاتی اساس وضع مالیات نیست.

از نظر سیاست گذار اسلامی که عدالت را اساس سازماندهی جامعه می داند، مالیات ها نیز ابزاری برای این هدف است و مالیات هایی که با تحقق توازن اقتصادی سازگار باشد، مناسب تشخیص

داده می شوند؛ به بیان دیگر در رابطه با رفاه فردی و اجتماعی کارایی ملاک محاسبه نیست تا زبان رفاهی بر اساس آن محاسبه شود.

یک نظام اقتصادی باید دارای سازگاری باشد و نظامی که در مرحله مالیات ستانی ابزارهای ضد توزیعی و در مرحله توزیع سیاست های توزیعی استفاده می کند سیاست های سازگاری را به کار نگرفته است.

اگر سیاست اسلام را در نظام اقتصادی اسلامی توازن بدانیم این معیار باید در تمام مراحل ابتدایی فرایندی و نهایی مورد توجه باشد. برای افزایش درآمدهای مالیاتی باید از شیوه هایی بهره برد که متناسب با رویکرد عدالت محور باشد.

دوم بیشینه سازی درآمد مالیاتی دولت نیز اساس و ملاک مستقل و جدای از عدالت و با رشد و توسعه برای مالیات ستانی نیست. افزایش درآمد مالیاتی در چارچوب رعایت عدالت می تواند دنبال شود و هیچ گاه به هزینه عدالت نمی توان درآمدهای مالیاتی را افزود؛ بنابراین وضع مالیات بر پایه هایی مانند مصرف صرفاً به این جهت که درآمدهای مالیاتی قابل توجهی را نصیب دولت می کند نمی تواند موجه باشد. چنین درآمدهایی مشروط به مراعات عدالت اجتماعی و عدم آسیب به آن دنبال می شوند. از این رو افزایش درآمدهای مالیاتی در نظام مالیاتی اسلامی و افزایش سهم آن در هزینه های دولت فی نفسه مورد قضاوت قرار نمی گیرد. دستاورد سوم بیشتر به این موضوع می پردازد.

سوم از آنجا که نظام مالیاتی خرده نظامی از نظام اقتصادی است و در چارچوب نظام اقتصادی تحقق توازن اقتصادی را تعقیب می کند، نباید انتظار داشت تمامی هزینه های دولت با مالیات ها تامین شود. در نظام اقتصادی اسلام که بخشی از منابع تولید ثروت (انفال) در اختیار دولت قرار

دارد باید انتظار داشت. که به تناسب اهمیت آن در تولید بخشی از درآمدهای دولت با استفاده از این منابع تأمین شده و از میزان مالیات دریافتی از بخش خصوصی کاسته شود. بدیهی است که در نظام های سرمایه داری و مبتنی بر اقتصاد بازار منابع بیشتری در اختیار بخش خصوصی می باشد و باید مالیات بیشتری هم از آن دریافت داشت؛ بنابراین در نظام اقتصادی اسلام بخشی از هزینه های دولت باید از راه منابعی که در اختیار دارد تأمین مالی گردد و به عبارت دیگر هزینه های دولت از درآمدهای مالیاتی دولت به یک میزان نباشد. معنای دیگر این سخن آنکه در نظام اسلامی همه درآمدها و هزینه های دولت در درون نظام مالیاتی تعیین نمی شود و نظام مالیاتی بخشی از نظام هزینه و درآمد دولت اسلامی است. البته منابعی که در اختیار دولت است می تواند در فعالیت های درآمدزا و یا زیرساخت هایی هزینه شود که به روتق کسب و کار کمک می کند؛ اما در صورتی که از منابع و ثروت های عمومی به نحو کارایی استفاده شود انتظار می رود به درآمدهای غیر مالیاتی دولت بیفزاید و از فشار بر سهم درآمدهای مالیاتی بکاهد.

مالیات های اسلامی از گستردگی بالایی برخوردار بوده و همه بخش های اقتصاد آن موقع را پوشش می داده و این نشان می دهد که نباید استثنا داشته باشد در شرایط امروز ما. با مالیات های غیر مستقیم مواجه ایم که بر اصل کارایی استوار بوده و موارد مصرف آن هم بصورت روشن بیان نمی شود. در صورتی که محل مصرف به خصوص انواع مالیات ها، برخی مالیات های اصلی اسلامی، محل تامین و خرج آن مشخص بوده که نشان از شفافیت دارد و در جمع بندی این نکته مهم است که نهایتاً سیستم مالیاتی و تامین اجتماعی در دولت اسلامی باید هماهنگ با یک دیگر باشند. نکته دیگر مبانی مالیات های اسلامی بر درآمدهای بادآورده باید بصورت تصاعدی باشد کما اینکه در اسلام هم در مورد خمس توضیح دادیم تصاعدی است. و بالاخره مالیات های اسلامی نباید ضد تولید باشد همینطور که بر عوامل تولید مالیات گرفته نمی شده است. آخر اینکه

معافیت های مالیاتی بدلیل گستردگی باید به حداقل خودش برسد و هیچ معافیتی پذیرفته نیست با توجه به دلایلی که در اصل فلسفه مالیات ها گفته شده است. در ادامه یکسری راهکار برای نظام مالیاتی فعلی ارائه می کنم:

۱- سیستم مالیاتی باید با سیستم تامین اجتماعی و سیاست های بانک مرکزی بصورت سازگار تنظیم شوند؛

۲- مصارف و منابع مالیاتی مشخص و شفاف شوند؛

۳- کسانی که داوطلبانه مالیات می دهند تشویق شوند؛

۴- تور مالیاتی الان ما؛ شیارهای ریز مالیاتی دارد و دانه درشت ها وارد تور مالیاتی نمی شوند و این سیستم غیر عادلانه است و در عین حال غیر کارآمد هم هست. پیشنهاد من این است که از یک سطحی این پرونده های جزیی را کنار بگذاریم مثال ۱۵ میلیون پرونده مالیات جزیی را کنار بگذاریم و به ۲ میلیون دانه درشت ها رسیدگی کنیم؛

۵- دولت باید در مورد موارد مصرف مالیات ها با شفافیت پاسخگو باشد؛

۶- مالیات های کارآمد باعث کنترل تورم و رکود میشود و مالیات های فعلی هم باید به گونه ای باشد که باعث خروج از رکود باشد در نتیجه باید نرخ های آن سیال تنظیم شود؛

۷- تخلف در حوزه مالیاتی (مؤسسات و نهادهای که مستقیم و غیر مستقیم در این حوزه مسئولیت دارند) مورد بررسی و به شدت با آنها برخورد شود؛

۸- وضع مالیات بر ثروت که از مجموعه مالیات های مستقیم است با ایجاد بانک اطلاعاتی

توصیه می شود؛

۹- مالیات های اسلامی منعطف و دارای بسیاری از ویژگی های مالیات های کارآمد و

عادلانه و هزینه وصول آن کم و پاسخگویی است، همه این ویژگیها باید در طراحی

سیستم جدید مالیاتی لحاظ گردد.

منابع و مآخذ

- پورفرج، علیرضا. جایگاه مالیات های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آن ها. ۱۳۸۹.
- جعفری صمیمی، احمد... اقتصاد بخش عمومی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب اسلامی دانشگاه. ۱۳۸۹.
- جعفری نسب، شیرویه، ذکوری، وجیه اله، و کرمان، حجت اله. تبیین جایگاه انواع منابع تامین مالی حکومت اسلامی با توجه به مقتضیات زمان. همایش مالیات های اسلامی (پیش نیازها و الزامات مالی دولت اسلامی). ۱۳۹۱
- حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی. مشهد. بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی. ۱۳۷۰.
- خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، چ دوازدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۳.
- شهرکی، جواد و مصطفی شمس الدینی. پیاده سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام. دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۲۴-۹۷، ۱۳۹۰.
- شیخ صدوق، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۲، ۱۴۱۳.
- صدر، سید کاظم و محمدتقی گیلک حکیم آبادی. آیا نظام مالیاتی ایران اسلامی است؟ فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی. دوره ۲. شماره ۷. ۱۳۸۱.
- عبدالله علم خواه، "تحلیل و بررسی وظایف دولت اسلامی از منظر عدالت اقتصادی، جهاد اقتصادی و عزت اقتصادی"، presented at the "همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی (اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران). ۱۳۹۴.
- عسکری، محمد مهدی. تحلیل نظری زکات. دانشگاه امام صادق (ع) تهران. ایران. ۱۳۸۴.

- علم الهدی، سید سجاد، تحلیلی از شاخص های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
س، ش ۲ پاییز و زمستان، ۱۳۹۵.
- کیا، الحسینی، سید ضیاء الدین، «اصول حاکم بر مالیات ها در نظام اقتصاد اسلام مستفاد از مالیات های منصوص رکات و خمس مرکز مطالعات اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱
- لشکری، علیرضا. کارکرد بر نظام مالیاتی اسلام با نظر به نظام مالیاتی اقتصاد متعارف.
جستارهای اقتصادی، ۱۸ (۳۶)، ۱۹۱-۲۰۶. ۱۴۰۰.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، چ دوم، قم: تفکر،
۱۴۰۹.